

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان:

نقش دانشگاه امام صادق (ع) در تربیت شاگردان و پیش برد علوم و معارف اسلام

گردآورنده :

حسین محمدیان میرآبادی

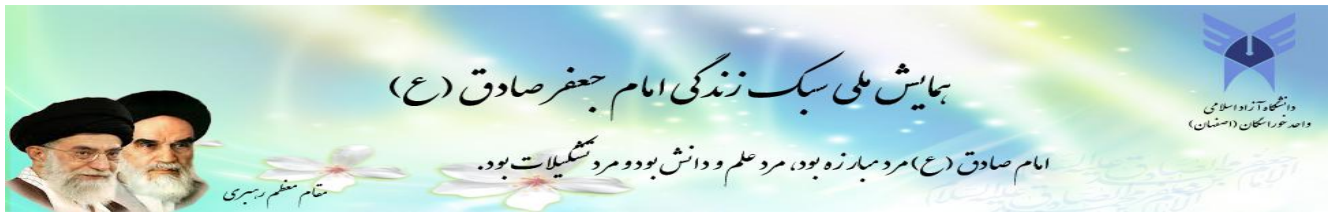
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران

پائیز ۱۳۹۲



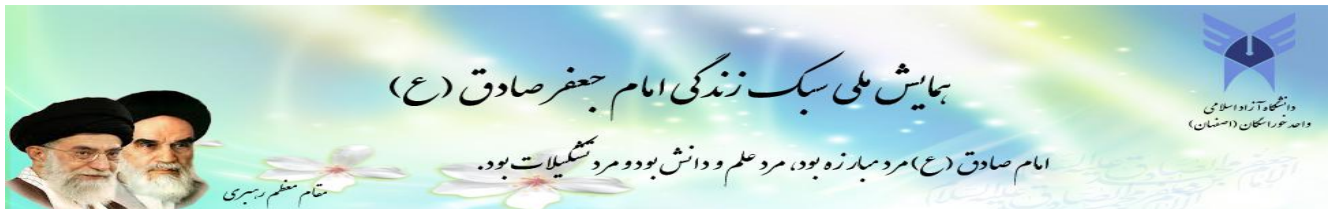
## چکیده

با توجه به دوران پر آشوب و اوضاع پریشان عصر امام صادق (ع) و علیرغم مشکلات بی شمار امام صادق (ع) توانستند وظیفه‌ی سنگین و مسؤولیت خطیر تربیت شاگردان زبردست را به بهترین شکل ممکن به سرانجام برسانند. ایشان چنان نهضت علمی را در سراسر دنیای اسلام به راه انداختند که پس از گذشت قرن‌ها هنوز فقه شیعه پربرترین و برترین نظام حقوقی بشمار می‌رود. در این مقاله سعی بر آن شده است تا اولویت‌های فرهنگی امام صادق (ع) و رویکردهای فکری، آموزشی و پرورشی امام (ع)، با در نظر گرفتن مشکلات علمی و دانشگاهی کشور مورد توجه قرار گیرد. در این راستا به نمونه‌هایی از مناظرات ایشان با افراد و قشرهای مختلف جامعه‌ی آن روز و نیز بررسی وسعت دانشگاه امام (ع) اشاره شده و در نهایت تأثیری که ایشان بر شاگردان خود گذاشتند مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله سعی شده است چالش‌هایی که در این زمینه در ایران اسلامی وجود دارد، مورد بررسی قرار گیرد. تا در پیدا شدن راه‌هایی برای برون رفت از این شرایط قدمی برداشته شود.



## فهرست

|       |   |       |    |
|-------|---|-------|----|
| ..... | مقدمه   | ..... | ۴  |
| ..... | مسأله تحقیق                                       | ..... | ۶  |
| ..... | هدف   | ..... | ۶  |
| ..... | فرضیه   | ..... | ۷  |
| ..... | بررسی منابع                                       | ..... | ۷  |
| ..... | روش تحقیق   | ..... | ۱۰ |
| ..... | قداست هدف؛ اثبات حق و حق جویی؛                    | ..... | ۱۱ |
| ..... | اولویت امر به معروف و نهی از منکر نسبت به مناظره: | ..... | ۱۲ |
| ..... | مناظره با افراد برجسته‌ی علمی ؛                   | ..... | ۱۳ |
| ..... | رعایت ادب در مباحثه و رویارویی ؛                  | ..... | ۱۳ |
| ..... | وسعت دانشگاه امام صادق ؛                          | ..... | ۱۴ |
| ..... | دانشگاه امام صادق پایگاه حقیقی اسلام ؛            | ..... | ۱۵ |



- ۱۷ ..... مدینه منوره و دانشگاه امام صادق؛
- ۱۹ ..... دانشگاه امام صادق مهد پرورش استعدادها؛
- ۲۰ ..... برنامه‌ی دانشگاه امام صادق؛
- ۲۰ ..... حوزه علمیه‌ی امام صادق؛
- ۲۲ ..... بحث و نتیجه‌گیری؛
- ۲۳ ..... منابع و مأخذ؛

## مقدمه

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند:

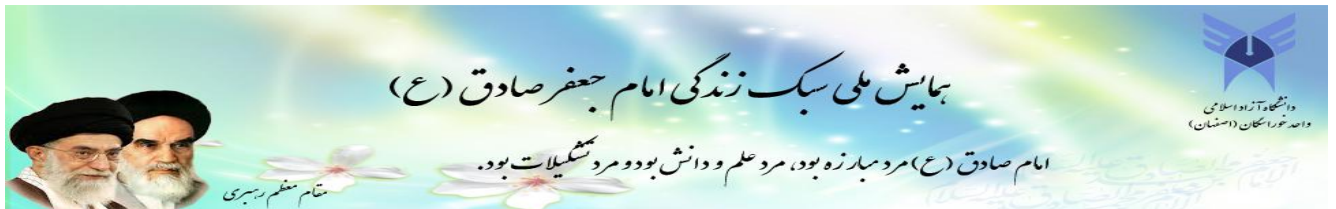
دراسة العلم لقاح المعرفة؛

درس و فراگیری دانش، مایه‌ی باروری معرفت و شناخت است.<sup>۱</sup>

امام جعفر صادق (علیه السلام)، آموزگار بزرگ بشریت، و با فضایل و سجایای بی‌مانند، مظهر اعلای شرف و کمال انسانی است. بر این وجود عظیم و شگرف بشری، در آشفته‌ترین اعصار تاریخ اسلامی و در هنگامه‌ی بحرانها و انقلابات سیاسی و اختلاف‌ها و آشفتگی‌های فکری و مذهبی وظیفه‌ای الهی محول بود. وی در ببحوحه‌ی حوادث گوناگون و علیرغم مشکلات بی‌شمار، امر مقدسی را که برعهده داشت چنان پیش برد که در آن عقل و اندیشه به

---

۱ - بحار، ج ۷۵، ص ۱۲۸



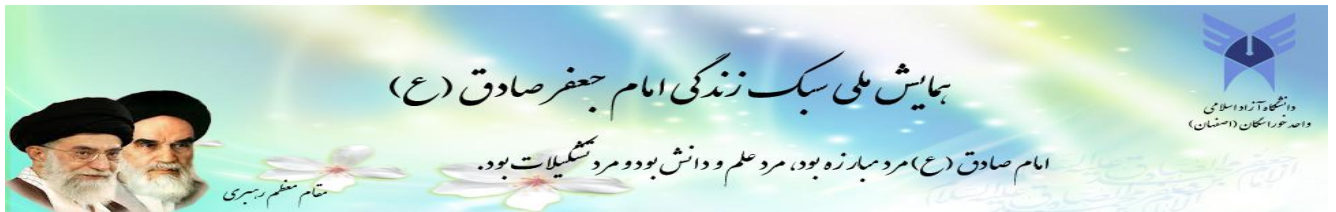
حیرت و شگفتی می‌ماند. در اواخر حکومت بنی‌امیه و در زمان بنی‌عباس یک شور و نشاط علمی در میان مردم پدید آمد.

همچنین فقهای پیدا شده بودند که فقه را بر اساس رأی و قیاس و غیره به وجود آورده بودند. یک اختلاف افکاری در بین مسلمین پدید آمده که نظیرش تا آن موقع نبود و بعد از آن هم پیدا نشد.

زناده در این زمان ظهور کردند، اینها منکر خدا و دین و پیغمبر بودند. بنی‌عباس هم به آنها آزادی داده بودند. مسئله‌ی تصوف به شکل دیگری پیدا شده بود.<sup>۱</sup>

عصر امام صادق علیه‌السلام عصری بود که فتنه و آشوب و انقلاب سراسر کشورهای اسلامی را فراگرفته و موج خشم و نارضایتی مردم از حکومت بنی‌امیه تمام نقاط را طوفانی کرده بود. با توجه به مطالب بالا، ذکر چند نکته درباره مقایسه‌ی شرایط تاریخی در زمان امام صادق (ع) و شرایط کنونی کشور، ضروری به نظر می‌رسد. یکی مجموعه‌ی شبهاتی است که از سوی دانشمندان غیر شیعی متوجه اسلام می‌شود، و دیگری اینکه نوع تربیت امام صادق (ع) است که ملاحظه می‌شود شاگردان ایشان علاوه بر اینکه در زمینه‌هایی مثل طب و نجوم و .... زبده هستند از معارف عمیق دینی هم بهره‌مند می‌باشند، به نظر می‌رسد الگوبرداری دانشگاه‌ها در عصر حاضر از روش امام صادق (ع) می‌تواند کشور را در زمینه‌ی آماده سازی جهت برپایی تمدن نوین اسلامی یاری کند. اهمیت این مسئله زمانی دو چندان می‌شود که به خاطر آوریم رهبری معظم انقلاب، تنها راه برون رفت از عصر کنونی به سمت تمدن نوین اسلامی را اقتدار علمی مسلمانان بیان فرمودند. در این مقاله سعی شده است نکات کلیدی و مورد غفلت قرار گرفته در موضوع علم و علم‌گرایی به سبک امام صادق (ع) مورد توجه قرار گیرد، چراکه نگاه جامعه به مقوله‌ی علم نقش بسزایی در سبک زندگی دارد.

۱- برامام صادق چه گذشت، ص ۱۲



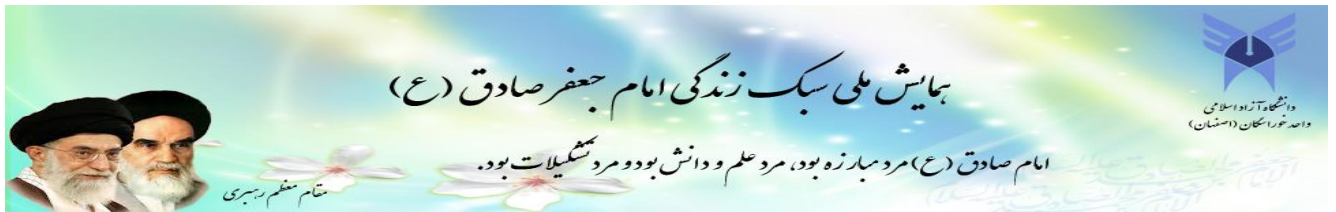
## مسأله تحقیق

امام صادق علیه السلام یک نهضت علمی و فکری را در دنیای اسلامی رهبری کرد که در سرنوشت تمام دنیای اسلام مؤثر بود، و بخصوص مکتب تشیع را در برابر امواج طوفانی مکاتب دیگر حفظ نمود. با وجود چنین اوضاع و احوال موجود در جامعه‌ی آن زمان امام صادق (علیه السلام)، چگونه توانستند بیش از چهار هزار دانشجو و دست پرورده و افرادی مثل فضل بن یسار، هشام بن محمد السائب کلبی و بکیر بن اعین و ... پرورش دهند و در مدت نه چندان مدیدی که این افراد از وجود گرانمایه و سخنان گهربار حضرتش بهره می‌جستند، روح و جسم و زندگی این افراد و نیز آحاد مختلف جامعه‌ی آن زمان را از معارف ناب اسلامی سیراب کنند؟ پراکندگی دانشجویان امام صادق (ع) به جهت آئین و موقعیت جغرافیایی و سیراب نمودن حقیقی تمام آنها همه‌ی هنر امام صادق (ع) را در این زمینه آشکار می‌کند. جای خالی این دو ویژگی در عصر کنونی در کشور ما بسیار به چشم می‌خورد تا جایی که بسیاری از دانشجویان رغبتی به دروس عمومی مطرح شده ندارند.

## هدف

۱) آشنا شدن هرچه بیشتر با منش و سیره و سبک زندگی علمی امام جعفر صادق (علیه السلام)، و سجایای اخلاق علمی حضرتش که در طول زندگانی پر برکتشان همگان را شیفته‌ی شخصیت و فرهنگ غنی و سرشار از معارف ناب اسلامی مینمود.

۲) بهره‌گیری هرچه بیشتر از متدهای آموزشی، روشهای استدلال، شیوه‌های مناظره و نیز خلق و خوی نبوی آن امام همام که در طی چند سال توانستند از بزرگترین بنیانگذاران علوم مانند: قرائت، تفسیر، حدیث، فقه، مسائل مربوط به کلام و قسمتهای مختلف ادبیات و علوم طب، فلسفه، نجوم، ریاضیات، شیمی و فیزیک باشند که در تاریخ بشر کم سابقه بود که ملتی با این شور و نشاط به سوی علوم روی آورد.



## فرضیه

آنچه که مسلم است مقام شامخ ولایی و الهی امام صادق (علیه السلام)، و علم و عصمت این خاندان می باشد. شاید رمز موفقیت آن امام همام در تربیت شاگردان و پیشبرد علوم اسلامی و معارف دین، مقام حجت اللهی و بزرگمنشی و سعه صدر امام صادق (علیه السلام)، در زندگی علمی ایشان باشد و شاید با توجه به شناختی که مردم از آباء و اجداد بزرگوار ایشان داشتند و اینکه ایشان طلایه دار یک چنین نهضت بزرگ علمی-اسلامی بودند باعث چنین شور و اشتیاقی شده بود که شیعیان برای بهره گیری از علوم ان حضرت از خود نشان میدادند. علی ای حال در این مقاله سعی بر آن شده تا با استفاده از منابع موجود به بررسی ابعاد مختلف این موضوع پرداخته شود.

## بررسی منابع

امام صادق (علیه السلام)، میفرمایند: طلب العلم فریضة؛

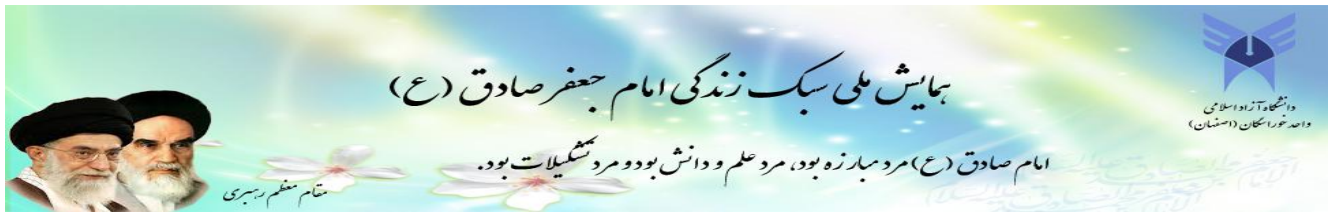
جستجوی دانش، واجب است.<sup>۱</sup> در وسعت دانشگاه امام همین قدر بس که حسن بن علی بن زیاد و شاء که از شاگردان امام رضا علیه السلام و از محدثان بزرگ بوده (و طبعاً سالها پس از امام صادق علیه السلام زندگی می کرده)، می گفت: در مسجد کوفه نهصد نفر استاد حدیث مشاهده کردم که همگی از جعفر بن محمد حدیث نقل می کردند.<sup>۲</sup> یافعی می نویسد: او سخنان نفیسی در علم توحید و رشته های دیگر دارد. شاگرد ایشان، جابر بن حیان، کتابی شامل هزار ورق که پانصد رساله را در بر داشت، تألیف کرد.<sup>۳</sup> فقه شیعه که اکنون پربرترین و برترین نظام حقوقی به شمار می رود، از چشمه سار حوزه فقهی امام صادق علیه السلام سیراب می شود.<sup>۴</sup> مدرسه علمیه جعفری

۱ - کافی، ج ۱، ص ۳۰، ح ۲

۲ - ویژگیهای امام صادق، ص ۲۲۰

۳ - همان، ص ۴۱۴

۴ - امام صادق و الگوی زندگی، ص ۸۵



بیش از بیست هزار دانشجو تربیت می‌شد که از کلاس اول تا آخرین حد اجتهاد و استنباط را به رهبری امام جعفر صادق پشت سر می‌گذاشتند و آنان نیز جهان اسلامی را به علم و دانش سیراب کردند.<sup>۱</sup>

شاگردان ایشان در عصر خود چهارصد کتاب در فقه جعفری نوشتند که به چهارصد اصل مشهور است و کتب اربعه: کافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب و استبصار از آن اتخاذ و اقتباس شده است.

در مدرسه علمیه جعفری فقهای نظیر ابان بن تغلب، محمد بن مسلم، جمیل بن دراج، ابان بن عثمان، حماد بن عیسی، برید عجلی و... تربیت شده‌اند. ابان بن تغلب به تنهایی سی هزار حدیث از پیشوای خود نقل کرده است.

در این دانشگاه فقط فقه تدریس نمی‌شد بلکه فنون مختلف و رشته‌های گوناگون نیز تدریس می‌شد: مثل علم تفسیر، اخلاق، کلام، توحید، طب، علوم طبیعی، شیمی، فیزیک، داروسازی و سایر علوم غریبه.

جابر بن حیان و طرطوسی از شیمی‌دان معروف حوزه‌ی درس آن حضرت بوده‌اند.

اروپائیان بیشتر از عرب‌ها در سرگذشت حال جابر و تألیفات او بررسی کرده‌اند و اعتراف صریح دارند که اساس علم کیمیا جدید (شیمی) را جابر بنیان گذاشته و این علم را از امام صادق علیه‌السلام آموخته است.<sup>۲</sup>

شاگردان دانشگاه امام صادق علیه‌السلام منحصر به شیعیان نبود، بلکه از پیروان خلفاء نیز از مکتب آن حضرت برخوردار می‌شدند. پیشوایان مشهور اهل سنت، بلاواسطه یا باواسطه، شاگرد امام بوده‌اند.

در رأس پیشوایان، «ابوحنیفه» قرار دارد که دو سال شاگرد امام بوده است. او این دو سال را پایه‌ی علوم و دانش خود معرفی می‌کند و می‌گوید: «لولا السنتان لهلك نعمان»؛ اگر آن دو سال نبود، «نعمان» هلاک می‌شد.

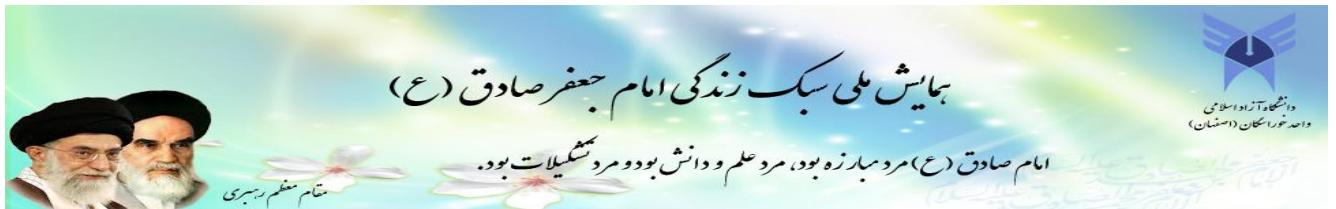
در وسعت دانشگاه امام همین قدر بس که «حسن بن علی بن زیاد و شاء» که از شاگردان امام رضا علیه‌السلام و از محدثان بزرگ بوده (و طبعاً سالها پس از امام صادق علیه‌السلام زندگی می‌کرده)، می‌گفت: در مسجد کوفه نهصد نفر استاد حدیث مشاهده کردم که همگی از جعفر بن محمد حدیث نقل می‌کردند.<sup>۳</sup> به گفته‌ی «ابن حجر عسقلانی»

۱- امال الواعظین، ص ۵۰۹

۲- همان، ص ۵۱۰

۳- زندگانی چهارده معصوم، ص ۴۱۴





فقها و محدثانی همچون: شعبه، سفیان، ثوری، سفیان بن عیینه، مالک، ابن جریح، ابوحنیفه، پسر وی موسی، وهیب

بن خالد، قطان، ابوعاصم، و گروه انبوه دیگر، از آن حضرت حدیث نقل کرده‌اند.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه‌السلام هر یک از شاگردان خود را در رشته‌ای که با ذوق و قریحه‌ی او سازگار بود، تشویق و تعلیم

می‌نمود و در نتیجه، هر کدام از آنها در یک یا دو رشته از علوم مانند: حدیث، تفسیر، علم کلام، و امثال اینها

تخصص پیدا می‌کردند.<sup>۲</sup>

حتی کسانی که معتقد به امامت آن حضرت نبوده‌اند به جلالت و سیادت او اعتراف داشته‌اند و استفاده‌ی از محضر

آن حضرت را برای خود یک شرافت و منزلت می‌دانسته که به آن دست یافته‌اند.

برای نمونه، ابن ابی الحدید در «شرح نهج البلاغه» دانش چهار مذهب اهل تسنن را از ناحیه‌ی امام صادق

علیه‌السلام می‌داند چرا که رهبران این مذاهب همه شاگردان آن حضرت بوده‌اند. هر کس هر گونه سؤالی داشته نزد

آن حضرت مطرح می‌کرده و پاسخ آن را می‌گرفته است. حتی بسیاری از افراد با خود کاغذ و قلم آماده داشته‌اند تا

آنچه آن حضرت می‌فرماید با دقت ثبت نمایند.<sup>۳</sup> بنابراین ملاحظه می‌شود همه‌ی شاگردان امام صادق (ع) چه هم

کیش و چه غیر هم کیش، شیفته جلسات و محافل علمی امام صادق (ع) می‌شدند. درست نقطه مقابل وضعیت

کنونی دانشگاه‌ها در عصر کنونی کشور، که چیزی که کمتر به چشم می‌خورد علم آموزی و جذاب بودن علم است.

اگر بتوانیم در ادامه‌ی این مقاله، حلقه‌ی گمشده‌ی محافل علمی کشور در مقایسه با محافل علمی در عصر امام

صادق (ع) را بازبایی کنیم، به نظر می‌رسد کمک شایانی به خواننده‌ی محترم شده باشد.

۱- زندگی‌نامه امام صادق، ص ۱۱۱

۲- زندگانی چهارده معصوم، ص ۴۱۳

۳- امام صادق جلد ۱، ص ۱۵۶



## روش تحقیق

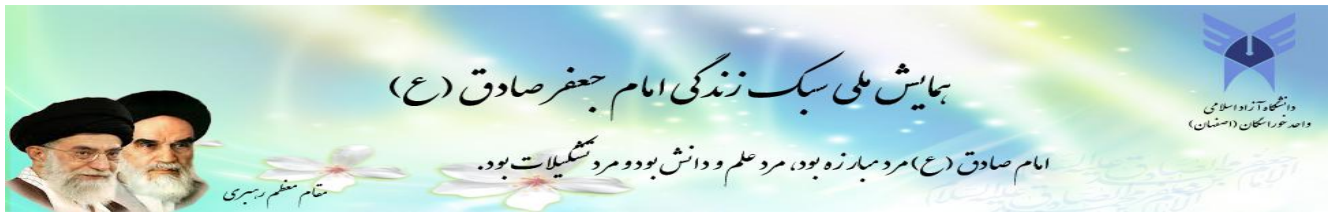
یکی از برترین وسائل تبلیغی در زمان امام صادق (علیه السلام)، تشکیل محافل علمی و مناظره است. در مناظره فردی که از پاسخ دادن به سؤال طرف مقابل، عاجز شود در برابر گروهی از مردم به عجز استدلال خود، اعتراف نموده و تسلیم خصم شود. این مناظرات ترکیبی از بحث های تفسیری، روائی، کلامی و فلسفی بود که به شیوه برهان و جدل منطقی برگزار می شد.

امام صادق (علیه السلام)، ضمن انجام مناظرات فراوان با منحرفان فکری و اعتقادی اعم از مادیین و زنادقه، خوارج یا علماء معتزله و دیگر علماء اهل سنت، از شرایط زمان و مکان برگزاری این محافل برای تبلیغ رسالت الهی خویش سود می جستند. عصر آن حضرت یک عصر منحصر به فرد، و زمان نهضت های سیاسی و انقلاب های فکری است. و به این علت که بسیاری از این نهضت ها اسلام را تهدید می کردند، یکی از ابعاد و مسائل مهم دوران حضرت صادق علیه السلام به شمار می روند.

چهره مقدس و ملکوتی امام جعفر صادق علیه السلام آن قدر روشن و تابناک است که هرگز نیازی به تعریف و تمجید دیگران ندارد، بلکه این دیگران بودند که با درک محضر آن حضرت و استفاده از وجود پرفیضش به عالی ترین مراتب کمال می رسیدند.

دوران ۳۴ ساله امامت ایشان فرصتی طلایی بود تا کام تشنگان معارف ناب الهی را از زلال سرچشمه وحی سیراب سازد. از این رو تمام برخوردهای وی با افراد و گروهها حتی دگر اندیشان خود باخته، آموزنده بود. در این میان یاران و شاگردان آن حضرت بیشترین استفاده را بردند و درسهای ارزنده ای را برای آیندگان به یادگار گذاشتند. او سالها بر کرسی درس و منبر پیامبر قرار گرفت و هزاران شاگرد را در مکتب خود تربیت کرد.<sup>۱</sup>

۱ - بر امام صادق چه گذشت، ص ۱۲



. سلوک علمی امام صادق علیه السلام طی این سی و چند سال، برخوردار شایسته یک استاد را با شاگردان خود به زیباترین وجه ترسیم می‌کند.

برخی نکاتی که در مناظره باید رعایت شود:

#### ۱- قداست هدف؛ اثبات حق و حق جویی؛<sup>۱</sup>

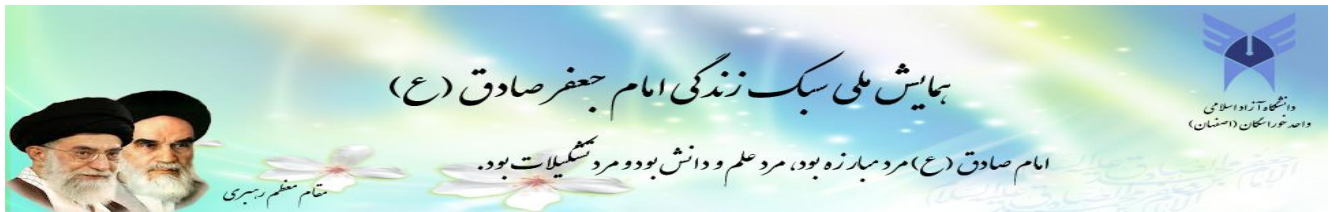
هدف از مناظره باید مقدس باشد. یعنی مقصود مناظره کننده باید اظهار و اثبات یک حقیقت باشد نه تظاهر، خود را مطرح کردن و ابراز حس غلبه و پیروزی. هدف و مقصود مناظره کننده باید رسیدن به حق و یافتن و نمایاندن آن باشد. منظور اهل بحث و مناظره نباید به کرسی نشانیدن گفتار و نظریه خود و اظهار حق بودن خویشتن باشد. این گونه هدف گیری در بحث و مناظره، جدال و ستیزه تلقی می‌شود. قداست و حقیقت در عبارات بالا از جمله کلماتی است که معنا و مفهوم خویش را امروزه از دست داده است. به همین دلیل انسان‌های عصر کنونی با شنیدن این کلمات، حتی نمی‌توانند افقی را برای خود متصور شوند. همانطور با شنیدن این حدیث پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله وسلم مبنی بر "النظافه من الایمان" به یاد حمام و صابون می‌افتند.

از دیگر اهداف مناظره روشن شدن نظرات باطل است. دو عقیده متضاد باید در مقام مجادله احسن و مناظره بررسی و نقد گردد تا بطلان یک عقیده و حق بودن نظریه دیگر معلوم گردد. در مقام مجادله، نباید انگیزه تحمیل عقیده و ارائه معلومات و اطلاعات منظور باشد؛ زیرا این گونه اهداف، مناظره را به جدال و مرء می‌کشاند و خصومت و لجاجت را ایجاد می‌کند. در این صورت نه تنها ابهامات زایل نمی‌گردد، بلکه بر تاریکی‌ها و غموض آنها نیز افزوده می‌شود.

مناظره کننده باید در به دست آوردن حق، همچون کسی باشد که دنبال گمشده خویش است؛ چرا که:

الحکمه ضالۃ المؤمن فحیثما وجد أحدکم ضالته فلیأخذها؛<sup>۱</sup>

۱- شیوه مناظرات انبیا و امام صادق، ص ۴۹



حکمت، گم شده‌ی مؤمن است پس هر جا یکی از شما گم شده خود را یافت آن را برگیرد.

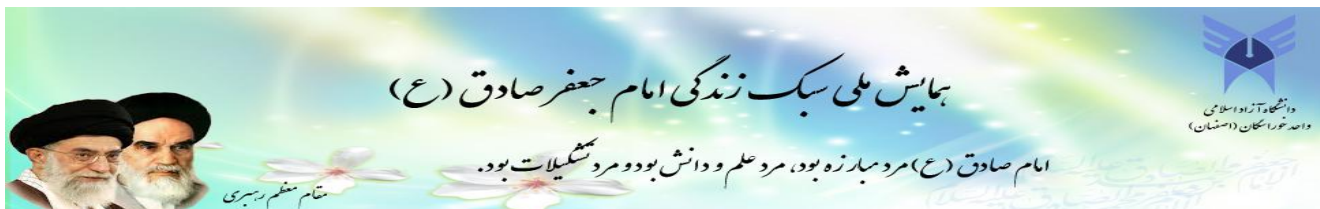
نباید در این که حق به دست او یا به دست شخص دیگری ظاهر می‌شود، فرق و امتیازی بیند. بنابراین اگر طرف مقابل او در مناظره، وی را به اشتباهش آگاه ساخت و حق را برایش آشکار نمود، باید از او بپذیرد.

اولویت امر به معروف و نهی از منکر نسبت به مناظره:

اشتغال به مناظره در صورتی درست است که وظایف و تکالیف دیگری که مهم‌تر از آن است، در میان نباشد، اگر مناظره درباره‌ی امر واجب به صورت مشروع برگزار گردد، به عنوان انجام یکی از واجبات کفایی محسوب می‌شود. اما اگر وظیفه و تکلیف دیگری که دارای وجوب عینی و یا کفایی و مهم‌تر از خود مناظره است در میان باشد، اقدام به مناظره جایز نخواهد بود.

از جمله این واجبات امر به معروف و نهی از منکر است که ممکن است مناظره کننده در مجلس مناظره با یک سلسله از منکرات مواجه گردد. همچنین گاهی مناظره کننده راجع به مسئله‌ای بحث و مناظره می‌کند که هیچ وقت برای کسی پیش نمی‌آید و یا به ندرت اتفاق می‌افتد. بنابراین مناظره باید در مورد مسائل مهمی صورت پذیرد و یا به مسائلی بپردازد که قریب الوقوع می‌باشد؛ چرا که مناظره در مسائل نادر، ریاضت فکری و استدلال و تحقیق بسیار می‌طلبد. ملاحظه می‌شود بسیاری از نکات بالا مربوط می‌شود به افقی که دو نفر هم بحث در آن قرار گرفته‌اند. افقی که حدش لایقف است و حدی برای رسیدن انسان به آن برایش متصور نیست، در این افق چیزی که در صحنه است الله است و الله است الله. حال شماعنایت بفرمائید در یک چنین فضایی بدون حضور من انسان‌ها، جایی برای تظاهر و غیره باقی نخواهد ماند چرا که منی در صحنه نیست تا تظاهری داشته باشد.

<sup>۱</sup> - شیوه مناظرات انبیا و امام صادق، ص ۴۹



بر اساس مراتب امر به معروف و نهی از منکر، مناظره مطلوب و مستحسن مناظره‌ای است که مورد نیاز بوده و نسبت به سایر مسایل در اولویت قرار گیرد. مناظره باید به وقایع مهم دینی یا مسئله قریب الوقوع، اختصاص یابد. به عبارت دیگر باید موضوع مهم و حیاتی را محور قرار دهد نه یک امر جزئی و پیش پا افتاده؛ چرا که اگر هر مسئله کم ارزش و یا مسائلی که در آینده بسیار دور اتفاق می‌افتد، مورد بحث و مناظره قرار گیرد، موجب اتلاف وقت می‌گردد. همچنین مسائل دینی مورد بحث قرار می‌گیرد، باید از جمله موضوعاتی باشد که طرفین صلاحیت بحث درباره‌ی آن را داشته باشند. در هر صورت مناظره باید سرنوشت ساز باشد.

## ۲- مناظره با افراد برجسته‌ی علمی؛<sup>۱</sup>

مناظره باید با افرادی صورت پذیرد که دارای استقلال علمی، صاحب نظر، برجسته و معروف باشند تا در صورتی که مناظره کننده طالب حق باشد، بتواند از بیاناتشان سودمند گردد. اکثر مناظره کنندگان از مناظره با دانشمندان چیره دست و بزرگان علم احتراز می‌جویند؛ چون می‌ترسند مبدا حق از رهگذر بیان آنها پدیدار و آشکار گردد. لذا علاقه دارند با اشخاصی که از لحاظ علمی در درجه‌ی پایین تری قرار دارند مناظره کنند تا بتوانند افکار خود را بر چنین افرادی تحمیل نمایند.

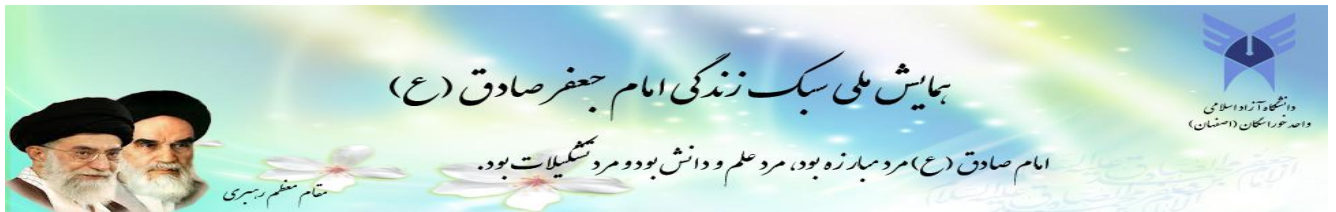
نیرنگی که صاحبان مسلک‌ها مذاهب دارند، همواره شاگردان خود را برای مناظره به مصاف می‌فرستند تا در صورت محکومیت، بحث و گفت و گو به سرانجام مطلوب نرسد. بنابراین برای تثبیت حق باید با افراد بلند پایه و معروف به مناظره پرداخت تا مباحث به نتیجه مطلوب برسد.

## ۳- رعایت ادب در مباحثه و رویارویی؛<sup>۲</sup>

مناظره باید در چارچوب اخلاق پسندیده انجام شود تا به ستیزه جویی و ناسزاگویی و تکفیر منتهی نگردد. برای یک مؤمن مقابله به مثل و فحاشی صحیح نیست، بلکه باید با اخلاق نیکو و پرهیز از درگیری‌ها طرف مقابل را متقاعد

۱- شیوه مناظرات انبیا و امام صادق، ص ۵۱

۲- همان، ص ۵۳



کرد تا اگر تفاهم حاصل نشد، دوری و تنازع هم ایجاد نشود. باید از کلمات محبت آمیز استفاده شود و مناظره با طرف مقابل محترمانه و مؤدبانه صورت گیرد.

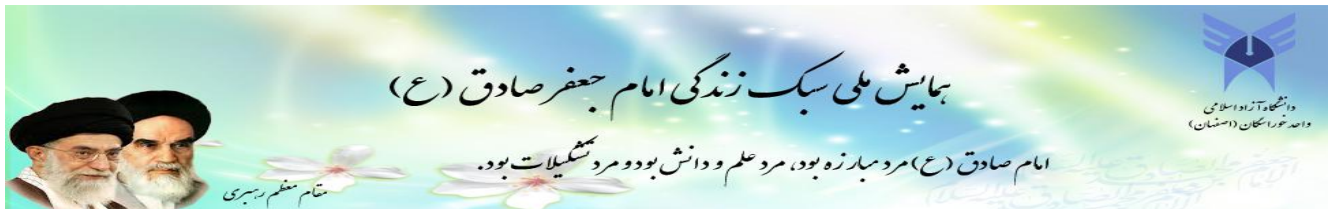
مناظره کننده باید پیوسته از الفاظ محکم و قوی بهره گیرد و از به کارگیری الفاظ ناشایست پرهیزد، باید از عبارت رکیک و کنایات اهانت بار و امثال آن که موجب برانگیخته شدن انواع حساسیت و کینه توزی می گردد اجتناب نماید؛ چرا که در این صورت مناظره از حالت «احسن بودن» خارج شده و به ستیزه جویی و دشمنی می انجامد. مناظره کننده در هنگام بحث و گفت و گو صدایش را از حالت متعارف و معمول بلندتر نکند؛ زیرا این کار نشانه ضعف و مغلوبیت است. باید همواره با لحنی آرام و متین سخن بگوید تا گفتار او تأثیر بیشتری در طرف مقابل داشته باشد.

رعایت ادب و نزاکت در مناظرات اقتضا می کند که به سخنان یکدیگر دقیقاً گوش فرا داده و کلام همدیگر را قطع نکنند ولو این که مقصود او را قبل از تمام شدن کلامش بفهمد. اخلاق مناظره ایجاب می کند طرفین به یکدیگر مجال سخن گفتن بدهند و تا مطلب طرف مقابل تمام نشده، کلامش را قطع نکنند، تا هم مقصود او را کاملاً بفهمد و هم این که محترمانه برخورد کرده باشد. دور از ادب و نزاکت است که انسان در بین کلام دیگری حرف بزند. چه بسا ممکن است گفتار طرف مقابل مجمل و مبهم بماند و پاسخ با پرسش، تناسب پیدا نکند. تا بحث درباره یک موضوع به جایی نرسیده، وارد مبحث دیگری نشوند؛ چرا که در این صورت بحثها با هم مخلوط شده و نتیجه ای حاصل نمی شود.

### وسعت دانشگاه امام صادق<sup>۱</sup>؛

امام صادق علیه السلام با تمام جریان های فکری و عقیدتی آن روز برخورد کرد و وضع اسلام و تشیع را در برابر آنها روشن ساخته، و برتری بینش اسلامی را ثابت نمود.

۱ - ویژگیهای امام صادق، ص ۲۱۹



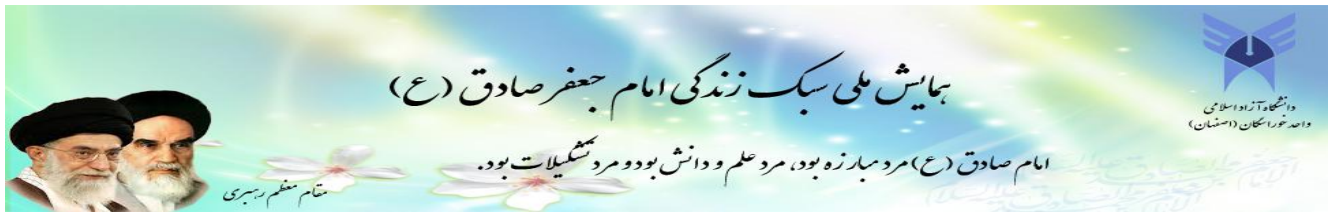
شاگردان دانشگاه امام صادق علیه السلام منحصر به شیعیان نبود، بلکه از پیروان سنت و جماعت نیز از مکتب آن حضرت برخوردار می شدند. پیشوایان مشهور اهل سنت، بلاواسطه یا با واسطه، شاگرد امام بوده اند.

در رأس این پیشوایان، ابوحنیفه قرار دارد که دو سال شاگرد امام بوده است. او این دو سال را پایه‌ی علوم و دانش خود معرفی می کند و می گوید: «لو لا السنن لهلك نعمان»؛ اگر آن دو سال نبود، نعمان هلاک می شد. بر این اساس می توان گفت چیزی که در محافل علمی امروز مورد غفلت قرار گرفته است توجه به وجود فطرت علمگرا در همه-ی انسان هاست، چرا که علم به خودی خود جذابیت دارد بنابراین لازم نیست با ترفندهای ساخته‌ی ذهن دور افتاده از افق پر از تعالی، حرف خود را به کرسی بنشانیم، چرا که روشن شدن حقیقت و زدودن نادانی برای هر دو نفر هم بحث، شیرین است.

### دانشگاه امام صادق پایگاه حقیقی اسلام؛<sup>۱</sup>

دانشگاه امام جعفر صادق علیه السلام که پایگاه حقیقی اسلام بود، سبب شد حضرت در جهان به نام رییس مذهب شیعه (یعنی مذهب آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم) شناخته شود. در آن عصر پر آشوب، مبارزه‌ی امام جعفر صادق علیه السلام با تأسیس مکتب و تشکیل حوزه تدریس و تعلیم شاگردان در ردیف قیام عاشورای حسینی به شمار می آمد؛ زیرا که حضرت در رشته‌های گوناگون افکار عمومی را بیدار کرد و در نتیجه بینش و رهبری او بود که مغزهای متفکر در اثر علم و دانش وی به سوی خاندان امامت رغبت و افری پیدا نمودند و این نهضت در زمانی صورت گرفت که دولت عباسی برای استحکام بخشیدن به کاخ‌های ظلم و فساد خود کوشش می کردند و برای امام صادق علیه السلام فرصتی پیش آمد که حضرت بتواند حقایق علوم اسلامی را به دانش پژوهندگان و رهروان راه حق و تقوای آن عصر تزریق نماید و همین علمی که تاکنون باقی است و بعد از این هم باقی خواهد ماند، پرتوهایی از دانش و علم جعفری است که از منبع زلال جعفری سرچشمه می گیرد و امروزه جوایگوی بسیاری از مسائل حل نشده جهان بشریت است. اکنون در بسیاری از کشورهای اسلامی و غیراسلامی از علوم و دانش‌های شاگردان این

۱- زندگانی حضرت امام جعفر صادق، ص ۱۰۹



مکتب زنده، بهره می جویند و میلیون‌ها مغز متفکر و شیفتگان راه حق از این چشمه خروشان، سیراب و تغذیه می کنند زیرا که منبع علم جعفری الهام از علم ربوبیت و اسرار الهی است و عقیده شیعیان بر این است که هر پیغمبر و جانشین او که از طرف پروردگار خلیفه بر روی زمین باشند با دستگاه غیرمرئی و پروردگار خود ارتباط خاصی دارند و علم امام و پیشوای مردم از جانب خداوند می باشد و علم عادی نیست. امام صادق علیه السلام علاوه بر علوم قرآنی، تفسیر، احکام فضایل و سجایای اخلاقی معاشرتی را آمیخته با سایر علوم به شاگردان خود تعلیم می داد.

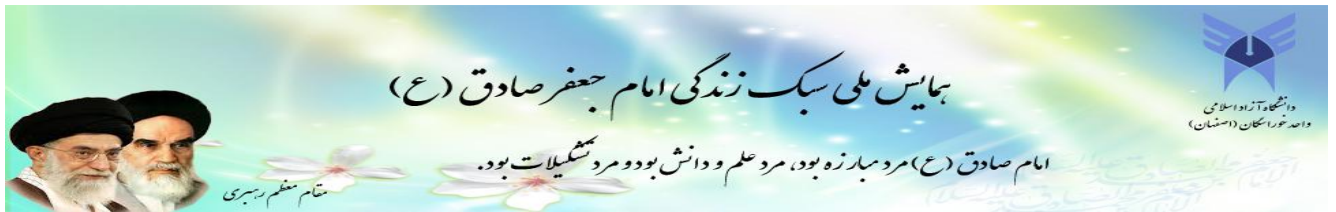
علم کلام و علم اثبات صانع و استدلالات توحید و علم طب و بهزیستی و علم طبیعی و بخش‌های مختلف آن (در فنون مختلف) در مکتب امام صادق علیه السلام تدریس می شده است.

علاوه بر این علوم به بعضی از شاگردان خود فنون مختلف را نیز می آموخت که قوه عقلی بشر آن عصر و قرن حاضر از درک آن عاجز بوده و هست.

شیعیان بر این عقیده هستند که هر امامی دارای تمام علوم است و در مورد امام جعفر صادق علیه السلام نیز صدق می کند، چنان که می گویند او با لغات مختلف جهان آشنا بوده است.

برتری مکتب امام جعفر صادق علیه السلام به مکاتب دیگر و دانشگاه‌های امروزی و یا گذشته به این دلیل است که مکتب امام صادق علیه السلام در آزادی عقیده و اندیشه دارای روش خاصی بوده است و هنوز هم هیچ کدام از دانشگاه‌های جهان این روش را نتوانسته‌اند به دست بیاورند. شاید بتوان گفت درک شرایط تاریخی از سوی امام صادق (ع) عامل مهمی در رونق محافل علمی آن روز، به شمار آید. چیزی که در اوایل انقلاب به خوبی و با بصیرت تمام توسط شهید مطهری و شهید بهشتی در نفی افکار مارکسیستی مشاهده شد. عصر حاضر، دوران طلایی اضمحلال تمدن غرب است، با توجه به مطالب بالا شناخت عمیق غرب می تواند در گذر از این پیچ تاریخی به نفع برپایی مقدمات تمدن نوین اسلامی از سوی دانشگاه‌ها راهگشا باشد. اشکالی ندارد که دروس ریاضیات و نجوم و... مورد بحث علمی قرار گیرد، مهم افقی است که در هر عصر جان انسان‌ها را سیراب می کند. روش امام





صادق (ع) به گونه‌ای است که دانشمندان علوم تجربی هم که من خود را یافته‌اند و در پرتو هدفی که خداوند از هبوط داشت، می‌توانند جان خود را سیراب کنند. این درست در نقطه مقابل وضعیت محافل علمی در عصر کنونی است، چرا که نه تنها از هدف هبوط سخنی به میان نیست، بلکه روزمرگی‌ها هم دیگر سرگرم‌کننده نیستند و جای خود را به استرس داده‌اند.

### مدینه‌ی منوره و دانشگاه امام صادق<sup>۱</sup>؛

به قلم:

حضرت استاد آیه‌الله جعفر سبحانی

آفتاب جهانتاب اسلام پس از بیست و سه سال تابش و نورافشانی، توانست حیات معنوی را برای جامعه‌ی آن روز به ارمغان آورد و از عقب افتاده‌ترین مردم جهان، امتی پیشرو بسازد که نه تنها عقب افتادگی خود را جبران کند بلکه پیشرو قافله‌ی تمدن به شمار آید. ابزار ترقی و تعالی این ملت، عمل به کتاب جاودانی قرآن و سنت رسول الله بود. سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که از طریق گفتار یا کردار و یا تصدیق وی در اختیار مردم قرار می‌گرفت، می‌توانست در تفسیر کتاب آسمانی و اداره‌ی کشور و پاسخگویی به نیازهای نوظهور، بسیار مؤثر باشد، ولی رویداد زیانبار «منع تدوین و مذاکره سنت پیامبر» سبب شد که این بخش از اصول حیات بخش اسلام به صورت صحیح و دست نخورده به نسل‌های بعدی نرسد، و حکومت‌های وقت در بازداشتن مردم از نگارش آن تا آنجا پیش رفتند که ترک نگارش تا پایان سده‌ی نخست هجری، به صورت یک اصل مقدس درآمد!

خوشبختانه در آن وانفسا - گرچه با تأخیر بسیار - ناگهان خلیفه‌ی وقت (عمر ابن‌العزیز) که تا حدی انسان وارسته‌ای بود، از خسارت عظیمی که از این طریق بر جهان اسلام وارد می‌شد، آگاه گشت و طی بخشنامه‌ای از ابوبکر بن حزم، عالم مدینه، خواست که سنت رسول بار دیگر احیا شود و به صورت نوشته‌ای مدون گردد.

۱- پرتویی از زندگانی امام صادق، ص ۱۴



تلاش عالم مدینه چندان ثمربخش نبود، زیرا بر اثر تبلیغات گذشته، نگارش حدیث حالت مکروهی به خود گرفته بود، چندان که ترک آن اولی جلوه می کرد!

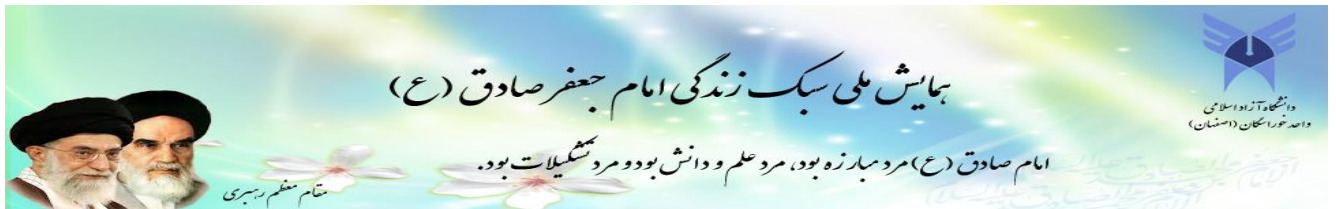
مع الاسف ترک تدوین و تحدیث حدیث در این مدت - که خود خسارت عظیمی بود - مقدمه‌ی زیانی عظیم تر شد و آن این بود که فضا را برای ورود داستان‌ها و افسانه‌های امام پیشین آماده ساخت و احبار یهود (که به ظاهر مسلمان شده بودند) و دیگران در طول این مدت توانستند محیط اسلامی را با اسرائیلیات و مسیحیات و حتی مجوسیات پر کنند؛ چه، اذهان مردم بسان ظرف است که خلأپذیر نیست و حتما باید با چیزی پر شود.

عصر امام صادق علیه‌السلام عصر نهضت امت اسلامی بر ضد نظام اموی بود و به سبب این کشاکش، مقداری از فشارها و محدودیت‌های سیاسی برطرف گردیده و آزادی نسبی بر محیط مدینه حاکم شده بود. امام صادق علیه‌السلام از این فرصت بهره گرفت و دانشگاه بزرگی را پی افکند که در آن شخصیت‌های بسیاری در علوم گوناگون تفسیر و حدیث و عقاید اسلامی پرورش یافتند و از میان آنان محدثانی زبردست، فقیهانی بزرگ و متکلمانی اندیشمند برخاستند که هر یک در قلمرو خاصی انجام وظیفه می نمودند، همچون ابان بن تغلب، زرارۀ ابن اعین، قیس ماصر، هشام بن حکم، مؤمن الطاق، برید بن معاویه، ابو حمزه‌ی ثمالی، حمران بن اعین، جابر بن یزید جعفی، عبدالله بن ابی یعفور و...

در عظمت مقام علمی آن حضرت کافی است بدانیم که متجاوز از ۱۶۰ دانشمند سنی از آن حضرت در کتاب‌های خود به عظمت یاد کرده و کلمات و احادیث او را نقل نموده اند .

آری، در این میان تنها بخاری در صحیح خود از نقل احادیث آن حضرت خودداری نموده است، و این در حالی است که وی از مخالفان خاندان رسالت (ص) مانند مروان بن حکم اموی، عمران به حطان خارجی و عکرمه‌ی اباضی نقل حدیث کرده و این نشانگر روحیه‌ی خاصی است که بر وی حاکم بوده است.

این فروغ هدایت که از خورشید رسالت نور می گرفت، سی و چهار سال در فراز و نشیب‌های گوناگون و در قلمروهای مختلف به تعلیم و تربیت افراد پرداخت و استوانه‌های علمی فراوانی تربیت نمود و بالاتر از همه سنت



رسول خدا را در میان مسلمین زنده کرد. حتی زمانی که بر اثر فشار حکام بنی عباس دو سال مدینه را ترک گفت و بالاجبار در حیره - که شهری بود در نزدیکی کوفه - اقامت گزید، در آنجا نیز مدرسه‌ی عظیمی را پی‌ریزی کرد و به تربیت مستعدان پرداخت.

### دانشگاه امام صادق مهد پرورش استعدادها!

امام صادق علیه‌السلام از فاصله‌ی زمانی انتقال قدرت از بنی امیه به بنی عباس که نسبتاً مدت زمان خوبی بود استفاده نمود و دست به تشکیل دانشگاه بزرگ اسلامی زد و مدینه را که مهبط وحی بود مرکز دانشگاه خود قرار داد و مسجد پیامبر را محل تدریس خویش کرد. آری امام جعفر صادق علیه‌السلام از فرصت استفاده کرد و دانشگاه اسلامی را توسعه بخشید.

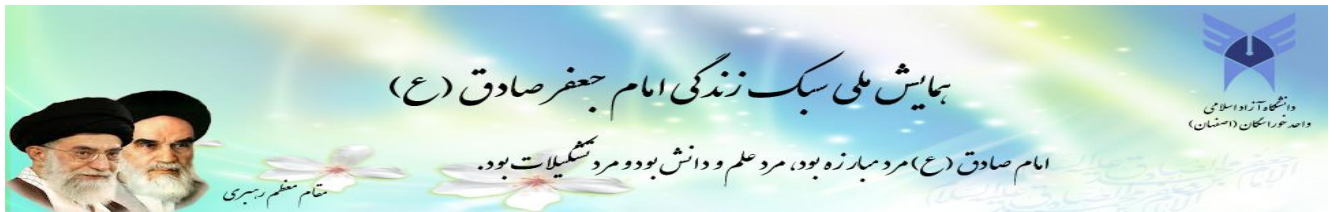
مورخین تعداد شاگردان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه امام صادق علیه‌السلام را «چهار هزار» نفر ذکر کرده‌اند.

امام صادق علیه‌السلام شاگردان خود را دسته دسته کرده بودند و به هر دسته‌ای درس مخصوص می‌دادند. به عده‌ای فقه، به عده‌ای جغرافیا، حساب، شیمی، فیزیک،...

آن حضرت شاگردان خود را به جامعه‌ی شیعه معرفی فرموده و لیاقت آنها را در اموری که به آنها محول شده بود تأیید می‌کردند. مثلاً «ابان بن تغلب» وظیفه داشت که در مسجد بنشیند و فقه آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به مردم یاد دهد و فتاوی امام صادق علیه‌السلام را به اطلاع مردم برساند.

«حمران بن اعین» مسئول جوابگویی سؤالاتی بود که درباره‌ی قرآن می‌شد «زراره بن اعین» متصدی مناظرات فقهی بود. «مؤمن طاق» بحثهای کلامی را به عهده داشت و «هشام بن حکم» در بحث عقاید و به خصوص بحث مربوط به امامت انجام وظیفه می‌کرد.

۱- بر امام صادق چه گذشت، ص ۱۸



## برنامه‌ی دانشگاه امام صادق<sup>۱</sup>؛

مدرسه و دانشگاه امام صادق علیه‌السلام همیشه مورد دشمنی ظالمان و غاصبان و حاکمان روز بود. اما از آنجائی که دوران آن حضرت در زمانی واقع شد که حاکمان بنی‌امیه مشغول و گرفتار خود بودند کمتر فرصت پیدا می‌کردند تا به فعالیتهای آن حضرت فشار وارد آورند. تا زمانی که حکومت عباسی استقرار پیدا کرد و پایه‌های حکومت منصور مستحکم شد و از آنجائی که بر اثر فعالیتهای امام صادق علیه‌السلام و پرورش شاگردان بزرگ، که این شاگردان بعد از فارغ‌التحصیل شدن عازم سراسر زمین‌ها می‌شدند شهرت امام صادق علیه‌السلام در میان بود. و همه روزه کاروانهایی از نقاط مختلف برای دیدار امام صادق علیه‌السلام و استفاده از آن حضرت به مدینه می‌آمدند و همین توجه قلبی مردم، منصور را به وحشت می‌انداخت. و دلیلش این بود که اساس و ریشه‌ی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام هیچ‌گاه در برابر هیئت حاکمه‌ی زمان سر تسلیم فرود نمی‌آورد و به حکومت اجازه‌ی دخالت در امور خود را نمی‌داد. منصور نمی‌توانست آن دانشگاه را برای مقاصد سیاسی خود، آلت دست قرار دهد و یا آن را به همکاری با خود وادار نماید. این مدرسه از روز نخست مبارزه‌ی منفی را با ستمکاران سرلوحه‌ی تعالیم خود قرار داده بود و به شاگردان خویش اجازه‌ی دوستی و رفاقت و همکاری با ظالمان را نمی‌داد، تا چه رسد به اینکه آنان را در هدفهایشان کمک و یاری دهد.

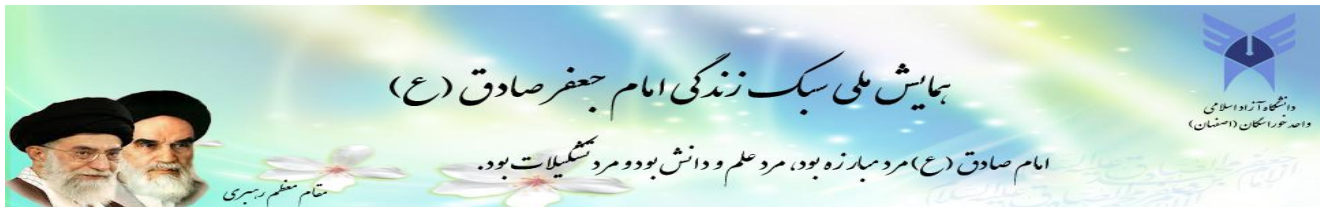
همین امر باعث آن شد که «منصور دوانیقی»، تمام نیروهای خود را برای درهم کوبیدن و نابود کردن امام صادق علیه‌السلام و دانشگاه او بسیج نماید.

## حوزه علمیه‌ی امام صادق<sup>۲</sup>؛

حوزه‌ی علمیه‌ی امام صادق علیه‌السلام مانند حوزه‌های علمیه کنونی نبوده که استاد اطراف یک موضوع و مسأله‌ای نقل اقوال و بیان استدلال نماید و دلیل و مأخذ مسأله را از اشکال و نقض و ایراد پاک کند تا خواسته‌ی او به نظر

۱-برامام صادق چه گذشت، ص ۹۹

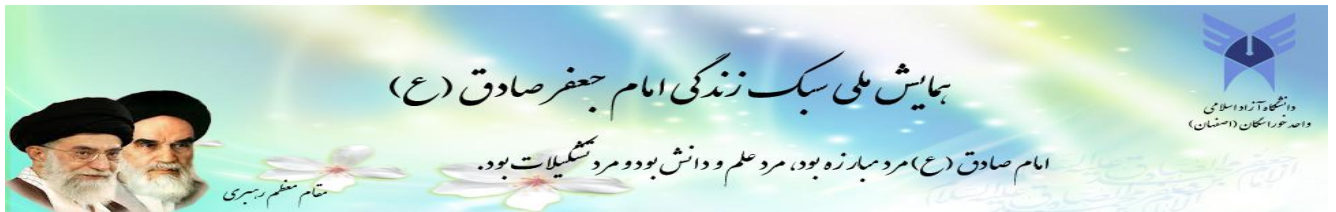
۲-امام صادق، جلد ۱، ص ۱۵۷



خودش ثابت شود، چرا که شاگردان امام صادق علیه السلام، جز تعدادی از آنان، او را امام «من عندالله» می دانسته و معتقد بوده اند که رأی و اجتهاد در علم امام علیه السلام راه ندارد. علم او الهی و میراث رسول الله صلی الله علیه و آله است و شاگردان آن حضرت - جز در بعضی از موارد که از علت حکم سؤال می کرده اند - هدفشان تنها فهمیدن احکام خدا بوده نه رد و ایراد و جدال مذموم.

و عجیب این است که شاگردان آن حضرت از او مطالبه‌ی مدرک نمی کرده اند. تنها [گاهی] خود آن حضرت سخنان خود را منسوب به جد خود رسول خدا صلی الله علیه و آله می نموده است. این نکته بسیار قابل توجه است که هدف مدرسه‌ی امام صادق علیه السلام با آن همه شاگردان فراوان این نبوده که برای خود و یا برای شاگردان خود عنوان و شهرت و نام و نشانی به دست آید، بلکه هدف شاگردان آن حضرت جز خدمت به دین و شریعت اسلامی نبوده و آنان علم و دانش را برای ارزش ذاتی آن تحصیل می کرده اند. و اگر از بین آنان کسی روشی جز این روش را می پیموده امام علیه السلام او را از حوزه‌ی درس خود طرد نموده است. و بسیار بوده اند کسانی که به علت مقاصد شوم و فاسدی که داشته اند امام علیه السلام آنان را از خود دور نموده و یا به آنان لعنت کرده است.

می توان گفت: امام علیه السلام قبل از بیان علوم و معارف اسلامی شاگردان خود را نسبت به اهداف صحیح و نیت‌های پاک موعظه می نموده و یا با سخنان خویش افراد غیر شایسته را از اطراف خود دور می نموده است. به بیان دیگر اگر باور داشته باشیم در هستی حقایقی وجود دارند که اولاً دروغ نیستند و وجود دارند و ثانیاً این حقایق با چشم سر قابل رؤیت نیستند، آنوقت است که به راحتی می توانیم خود را در افقی ماورای محسوسات اطراف خودمان بیابیم. بنابراین با این شرایط در بسیاری از محافل علمی، دیگر شاهد دنبال علت گشتن بی مورد نخواهیم بود، چیزی که امروزه باعث شده، آزمایشگاه‌های ساخته‌ی بشر، محلی برای صدور اصالت و تأیید دستورات دین نزول یافته از الله شود. نکته‌ی دیگر بحث تزکیه در فراگیری علم در عصر امام صادق (ع) است، که قبل از پرداختن به آن لازم است قدری به توضیح کلمه‌ی علم پرداخته شود. علم و آگاهی یافتن فرایندی است که بشر با آن، فقر ذاتی خود را با عنایت به غنی مطلق بودن الله، می یابد. حال هرچه علم قوت گیرد، فقر ذاتی بشر در راستای غنای



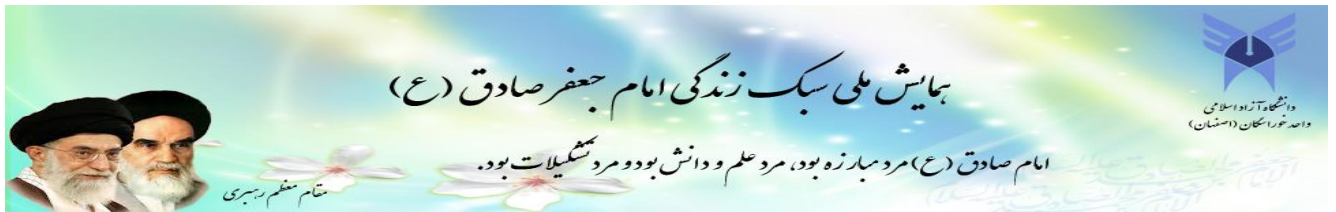
پروردگار بیشتر هویدا می‌شود. حال عنایت بفرمائید در این مسیر یعنی علم‌آموزی، تزکیه چقدر می‌تواند مفید واقع شود.

## بحث و نتیجه گیری:

در عصری که از یک سو دروازه های قلمرو اسلامی بر روی دانش‌های گوناگون گشوده شده و از سوی دیگر جنجال مکتب داران عقاید و مذهب سازان مختلف بلند بود، مکتب تشیع به آموزگاری امام جعفر صادق (علیه السلام) موجودیت و اعتبار بی مانند یافت. رتبه علمی، مقام زهد و پارسایی، بزرگی، وقار و مکارم اخلاق این پیشوای راستین زبانزد خاص و عام بود و پیوستگی به مکتب فضیلت وی تا به آنجا مایه مباهات و افتخار به شمار می رفت که جمعی از بانیان مذاهب و صاحبان مکاتب دیگر نیز اعتبار خویش را به حساب شاگردی و نقل حدیث از او می نهادند.

امام (علیه السلام) بسیاری از مناظرات خویش را در موسم حج و در مسجد الحرام، تشکیل می دادند که این خود یکی از ظرافت های این رسالت مهم الهی است که مبلغ باید از زمان و مکان، بهترین استفاده را بنماید. موسم حج، زمان جمع شدن دانشمندان فرق مختلف اسلامی و حتی غیر اسلامی در مکه بود و با یک مناظره که به شکست خصم منجر می شد، هزاران بیننده تحت تأثیر قرار می گرفت.

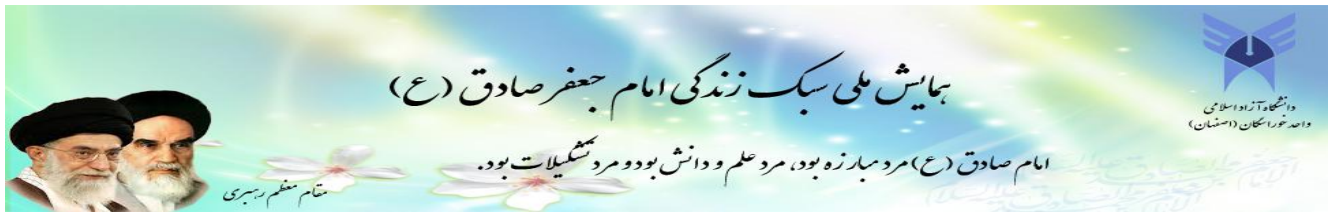
در یک جمله باید گفت: اگر کسی بخواهد به دانش آن حضرت پی ببرد باید به شاگردان فراوان آن حضرت بنگرد که معروفین آنان به چهار هزار نفر و بیشتر رسیده‌اند و همگی از آن حضرت نقل معارف و حدیث می‌کنند، نه از دیگران. با این که دانشمندان زیادی در عصر آن حضرت وجود داشته‌اند. بنابراین همان‌طور که ذکر شد یکی از عوامل موفقیت امام صادق (ع)، درک شرایط تاریخی عصر خود بوده است. اینکه چرا آن حضرت در آن زمان روی به تربیت علمی شاگردان خود می‌آورد از نکات مهم در درک شرایط تاریخی می‌باشد. این شرایط به نحوی مشابه هم‌اکنون در ایران اسلامی وجود دارد. اگر هدف از تشکیل محافل علمی رسیدن به تمدن نوین اسلامی



است، توجه به چند نکته ضروری به نظر می‌رسد. اولاً، علوم تجربی‌ای که امروزه در جهان سیطره پیدا کرده است، حاصل کار دانشمندانی است که در فرهنگ مصرف‌گرا و انسان محور غربی رشد یافته‌اند، که نتیجه‌ی آن هم دخالت در طبیعت آن هم طرز فجیع است. بنابراین افقی پر از تعالی در این نوع علمگرایی به چشم نمی‌خورد. در واقع ژاپن شدن هدف نیست. ثانیاً، جوانان این مرز و بوم در بسیاری از موارد تحت تأثیر فرهنگ ایرانی خودمان هستند. ثالثاً، در این بین یک فرهنگ اسلام ناب هم وجود دارد که بیشتر جنبه‌ی اطلاعات و دانش دارد و به مرحله بینش به طور کامل نرسیده است. در نظر گرفتن سه فرهنگ غربی، ایرانی و اسلامی در محافل علمی در دانشگاه‌ها، می‌تواند راهگشای فراهم آوردن جنبه‌های متعالی دانشگاه امام صادق (ع)، در عصر حاضر باشد.

## منابع و مأخذ:

- ۱- احمدی ح. (۱۳۸۵). امام صادق (ع) و الگوی زندگی. قم. انتشارات فاطیما.
- ۲- حسینی لیلابی س. ا. (۱۳۸۶). آمال الواعظین. جلد دوم. قم. انتشارات نسیم کوثر.



- ۳- حسینی میرصفی ف. (۱۳۸۷). شیوه مناظرات انبیا و امام صادق. تهران. انتشارات بین الملل.
- ۴- علوی س م. (۱۳۸۸). زندگانی چهارده معصوم. قم. انتشارات نغمات.
- ۵- علیدوست خراسانی ن. (۱۳۷۸). پرتویی از زندگانی امام جعفر صادق (ع). تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۶- فدوی اردستانی ح. (۱۳۸۶). ویژگیهای امام صادق (ع) (الخصائص الصادقيه). تهران. انتشارات المكتبة المرتضوية لآحياء الآثار الجعفرية.
- ۷- کلینی م. (۱۴۰۷ ق). الکافی. تهران. دارالکتب الاسلامیه.
- ۸- میرعظیمی س ج. (۱۳۸۰). زندگانی حضرت امام جعفر صادق (ع). قم. مجتمع متوسلین به آل محمد (علیهم السلام).
- ۹- مجلسی م. (۱۴۰۴ ق). بحار الانوار. بیروت ج لبنان. مؤسسه الوفاء.
- ۱۰- مظفر م. (۱۳۸۶). امام صادق (ع) (جلد ۱). حسینی بهارانچی. قم. انتشارات عطر عترة.
- ۱۱- موسوی کاشانی م. (۱۳۷۹). بر امام صادق (ع) چه گذشت. تهران. انتشارات دارالکتب الاسلامیه.